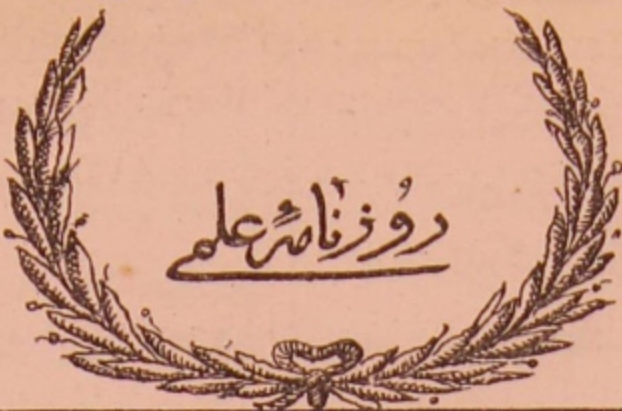


بیت پنجم اوت ماه فرانسه ۱۷۹۱ مسیحی
 قیمت بکطفا بکعباسی
 اداء قیمت در چهار قسط
 قیمت اعلان سطرده شاهای



دوشنبه ششم شهر رمضان المبارک ۱۲۹۲
 هر کس اخبار و اطلاعات علمی بدار الطباعه
 بفرستد درین روزنامه باسم خود اونوشته
 خواهد شد

بقیه صحبت ساد طبیعی و بیست

ترجمه میرزا کاظم معتمد علم طبیعی و شیمی

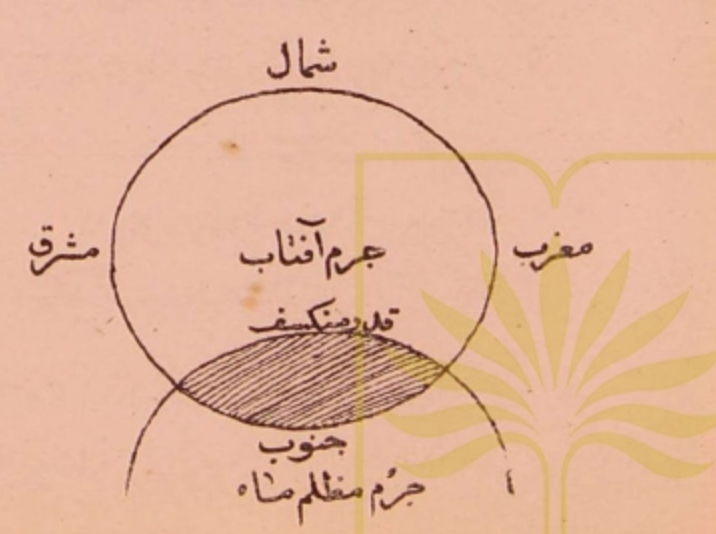
فصل هجدهم در عالم

احمد روشنائی ستارگان از کجاست

کاظم بعضی از اینها را فی نیست و روشنائی آنها بواسطه کسب نور از آفتاب است و اگر اصطلاح فراموش نشد باشد اینگونه ستارگان مانند زمین مستقر از آفتاب اند و بالاضافه منبر نیستند و چنین مینندار که جز زمین چیزی در دور آفتاب گردش نمیکند بلکه منجمین یعنی دانشمندی که ضبط حرکات و اوضاع کواکب کرده اند و باالات دقیقه کامله و دور بینها بزرگ بیش از آنچه ما با چشم در آسمان مبینیم دیدند است و متعدد دیگری مشاهده کرده اند که مانند زمین بر دور آفتاب میگردند و آنها را سیارات نامیده اند و از این سیارات هشت کواکب بزرگ و درشت در حساب آورده اند که متقدمین بعضی از آنها را شناخته بودند ولی قابل بوده اند که آن سیارات با آفتاب که یکی از آنها محسوب میشد بدور زمین حرکت میکنند آن سیارات عبارت اند از (عطارد) (زهرة) (زمین) (مریخ) (مشتری) (زحل) (اورانوس) (نیپتون) (اورانوس) و نیپتون را متاخرین اهل نجوم بادور زمین های آسمانی بزرگ که تلسکوپ مینامند دیده و ضبط حرکات آنها نموده اند

احمد چرا درین حساب سیارات ماه را فراموش کردید
 کاظم حق بجانب تو است ماه نیز کواکب سیار است و حکمای پیش از اجز و سیارگان میشمردند ولی اکنون که بنیان علوم محکمتر شده منجمین ملتفت شده اند که ماه سیاره است که دور زمین حرکت میکند و حال آنکه زمین سیاره است که خود بدور آفتاب میگردد و انرا رتبت ثانوی است و سیاره سیاره است و علاوه بر این مختصر بر زمین نیست که دارای قری است که بدور

یکی از طلاب رفته مسطور در ذیل را بمطبعة از سال داشته خدمت اجزای محترم اداره روزنامه علمی زحمت میدهد چون استخراج کسوف صحیح از مسائل مشکله نجوم است و هر وقت که اتفاق افتد روزنامه های فرنک متوجه آن مینباشند و شرح ازاد کرده روزنامه های خود نگاشته و درج مینمایند و تفضیل کونه که در روز شنبه بیست و هشتم رجب اتفاق افتاد و در روزنامه دولتی مرقوم شده بود این اقل طلبه در مقام جنارت برآمد عرض میکند که مقارن وقت کسوف این بند و دوسر نفر طلبه دیگر و یکی دو نفر از کسبه در منزل بنجم الملك منجم باشی حضور داشتیم و بادور زمین تماشای وضع کسوف را نمودیم شهد الله بعینه همانطور که بنجم الملك استخراج کرده بود و در روزنامه دولتی ثبت شده یعنی در هفت ساعت و بیست و چهار دقیقه بغروب روز مذکور مانند ابتدای کسوف بود و در شش ساعت و چهل و یک دقیقه بغروب مانند وسط کسوف بود و قریب شش ساعت بغروب مانند بانتهار رسید یعنی آفتاب بتمامه روشن و مخیلی کردید و قدر منکسف قریب بثلث قطر آفتاب بود و از طرف جنوب منکسف کشت این اقل طلبه که از برای العین دیده شکل انرا هم درین ورقه نموده که اگر مهمل داشته و صلاح بداند تفضیل را با صورت در روزنامه شریفه علمی درج کند که باعث و مورد استبصار گردد قدر مستخرج هم بر محمول نماند والسلام علیکم



میگردد بلکه بعضی از ستارگان دیگر نیز دارای اتمار متعدده اند
مانند مشتری و زحل که چند قمر دارند و این گونه ستارگان
مخصوصه را بزبان فرانسه (ساتلنت) گویند و ما بلفظ اتمار
ترجمه کنیم

آحمد صحبت امروز ما شب برین شد و اگر چه هنوز عقل من نرسید
که این مراتب را با این تفصیل از کجا فهمیده اند ولی طبع من قبول
میکند و چنین می فهمم که تا این حد و در راست میگویند و این
صحبتها از جنس دروغهای آسمانی محسوب نمیشود حالا بفرمایند
که این خط سفیدی که در میان آسمان پیداست و با وجود صاف
هوا و نموداری کواکب بنظر ما درست نمایان است چیست آیا
این نازکی که همیشه در آسمان هست

کاظم این نیست بلکه چندین کرد ستاره است که بسبب بُعد
فراوان آنها از زمین آنها را درست تمیز نمیدهم و بشدتی از ما
دور اند که نور آنها بمانند مگر بحالت این خط سفید که معرفت
بکھکشان است و شما افراد آسمان پراکنج می توانید دید و بفرمایند
انرا و الگته و بعبره مجزه گویند

آحمد پس چگونه می فهمم که این خط سفید اجتماعی است
از ستارگان

کاظم زیرا که اگر با تلکوپها بکھکشان نظر کنیم بخوبی تمیز می دهم
و همچنین بدانکه منجمن با آسمان نظر کرده اند و ملتفت شده اند و
بافرض ستاره دیده اند که با چشم یکی بنظر آمده ولی با دوربین
مشاهده کرده اند که مرکب است از دو یا چندین ستاره که یکی از
آنها بسیار روشن است و در آن چندین ستاره کم نور تر موجود
که کوپا بدوران ستاره روشن حرکت میکنند پس قائل شده اند
که هر یک از آن کواکب روشن بمنزله خورشید هستند و سایر
ستارگان که اتباع آن میباشند ستارگان اند که مانند زمین
و ماه بدوران حرکت میکنند

آحمد سبحان الله پس چندین افتاب است که هر یک چندین
ستاره دارند

کاظم در عالم چندین هزار افتاب است و هر یک چندین ستاره
دارند که هنوز خرداوند عالم بر عدد و در صد آنها کسی چیزی
نگفتندی از اینجا که فهم او است سخن گفت تو و در نه کالات و هم
کی رسد اینجا
بقیه در صفحه ایته

اختراع الت بسیار مختصری بجهت اطفای بانقین

قبل زمانی قبل از بن آلتی را که مسبو بانولا بجهت خاموش کردن
بانقین اختراع کرده امتحان نمودند آلت مذکور چندان بزرگ نیستند
و حمل و نقل آن در کمال سهولت ممکن است با این معنی که بجمیع
طبقات عمارت انرا با آسان میتوان برد و بکار انداخت و قابله و بشر
این آلت از قرار مذکور یاد است و قیمت آن کم و ارزان بدست می آید
و هر کسی میتواند از بن آلت برای حفظ عمارت خود تحصیل نماید
در ابتدای بانقین که شعله آتش چندان اشتدادی میسر نیساید
ممکن است بواسطه پیچ من تیر نیز تقریباً مایع آتش را خاموش نمود
دولت بلژیک از بن آلت در جمیع ابنیه و عمارات و ادارات دولت
کذاشته و معمول و دایر دارد زیرا که بواسطه تجربه و امتحان معلوم
کرده که مایعی که در بن آلت بکار اطفای بانقین میسر و هیچ چیز نا
حقی تصاویر ابنیه و عمارات که آتش گرفته ضایع نمیکند سال قبل
این آلت مسبو بانولا را با بسیاری از آلات که از زمین قبیل و برای
همین مصرف بودند در راه آهن بلژیک تجربه و امتحان نمودند و
امتیاز و ترجیح آلت مسبو بانولا را بود با این معنی که بواسطه این آلت
در مدت پیچ دقیقه یکی از کالسکه ها که مخصوصاً آتش زده بودند
خاموش کردند در اکیپوزسیون پاریس هم این آلت مسبو بانولا
بر هر چه از بن قبیل آلت بود ترجیح بجزر سناهند و درجه امتیاز پانز
مایعی که این آلت انرا بجهت خاموش کردن آتش بیرون میسر بزرگ
فشار پر قوتی دارد زیرا که با تقاق آب بکمقدار معتدبه گاز کار بزرگ
بیرون می آید علاوه بر این در چیزی که از ان این آلت را بر میکنند
و در آلت مخلوط آب میشود بکمقدار معین البومین هست که
با اجسام دیگر ملحق شده مثل لعاب ظرف چینی سطح سوخته شده
و خاموش کشته چوب را میپوشاند و مانع میشود از این که دو
مرتبته مشتعل شود و بسوزد و حاضر و آماده کردن این آلت از
برای استعمال بیش از یک دقیقه وقت لازم ندارد

نقل از روزنامه لانت بلژ

(طریقہ پاک کردن بطری پا ظرف دیگر که نفت در آن کرده باشند)
هر وقت بخواهند ظرف آلوده بنفت را پاک کنند بطوریکه بکلی
بوی نفت آن تمام شود و برود و انظرف قابل این شود که انرا عمل

وایع دیگر قرار دهند بطوریکه اصلا در آن بو اثر نفت پیدا نشود
 باید دوغ آب رقیقی از آهک درست کند و با آن ظرف الوده بنفت
 بشویند بخوبی پاک میشود زیرا که دوغ آب آهک هبته که بافت
 مخلوط شد بک قسم صابونی ترکیب میدهد
 اگر خاسته باشند ظرف نعتی بهتر پاک شود و مطلقا اثری از
 نفت در آن باقی نماند باید مرتبه دوم ظرف را شسته ایندفعه
 بر دوغ آب آهک قدری کلور بود سوافزود و اگر دوغ آب
 مذکور را گرم کنند و ظرف را بشویند زودتر پاک میشود
 بوضع مذکور مگر ظروف الوده بنفت از قبیل بطریهای بزرگ
 و غیره را شسته اند و محل مشروبات و ماپعات دیگر قرار داده
 و دیگر اصلا در طعم و بوی آنها اثری از نفت احسار نشده و ایند
 در جزو محروبات محسوب است

مسائل در مریخ خلق و علاج آن

سیرنا عبدا لکریم طبیب که از فحول اطبای محرب و جامع علم طب
 فرنگی و ایرانی میباشد بعضی تحقیقات در باب درد کلو
 نکاشته و ما انرا محض بصیرت عامه درین روزنامه شریفه
 درج مینمایم
 چون در دار الخلافه طهران حقت بالامن والامان و سایر
 ولایات ایران و قزاقی آنها تا بحال که سنه هزار و دوست و نود
 و شش هجری است قریب بسه سال بل مجاور است که ورم حلق
 باغشا، کاذب که از اقسام دنج و خوانبوق است شیوعی کامل
 بمسنا پند و وبائی گردیده و جمع کثیری را در معرض هلاک
 آورده بخصوص اطفال را که زیاده از سایرین هلاک نموده
 و تلف کرده و در کتب متقدمین از اطباء عرب هم با این علامت
 و اعراض ضبط نشده و تدوین بنافتر بود لهذا این اقل میرزا
 عبدا لکریم طبیب خواستم درین مرض آنچه دیده و اعراض و
 علامات او را مشاهده کرده ام بدون حشو و زوائد در رشته
 در آورم و از اقسام خوانبوق دیگر که با این صفت خاص مستف
 نیستند ذکر مینمایم و از مشاهدات خود بهیچوجه تعدی و
 تجاوز نکم در سنوات سابقه هم که در ایران مرض و با شیوعی داشت
 نیز در سنه هزار و دوست و نود چهار در کتابچه مختصری بدو
 که وزیاد مشاهدات خود را در باب و با مرقوم داشته بچاپ

رساندم حال بعون الله و منته شرع ببحر بر این کتابچه که در بیان
 ورم حلق باغشا، کاذب است شروع مینمایم
 ورم حلق باغشا، کاذب که او را دنج غشائیه نامیم عبارت از
 ورمی است که غرض حلق و لوزتین و کام رخو باخیره با بلعوم
 شد و غشا، کاذب سفید یا سنجابی کون بروی آنها رویند شو
 و بواسطه ظهور این غشا، از سایر انواع دنج و خوانبوق که با آنها
 این غشا، مصاحبت نماید جدا و ممتاز شود و در تدابیر علاجیه
 هم نیز بدین واسطه مختلف گردد و بواسطه حدوث این غشا،
 مرض خوف و خطرناک باشد

ممکن است در جمیع بلاد و فصول ظاهر گردد و بروز نماید ولی
 در اماکن رطبه و منخفضه و در راهوپه و فضول بارده و رطبه
 بیشتر ظهور کند و اهالی آنها را زیادتر مبتلا گرداند
 استعداد اطفال بعروض این مرض بیشتر از جوانان و جوانان
 بیشتر از مشایخ و نسوان بیشتر از رجال بود

در دار الخلافه طهران که تقریباً سه سال میشود این مرض عموم
 و وبائی شد و خود متصدی معالجه بودم و مرخص از اغنیا
 و فقرا زیاده از اندازه مشاهده مینمردم ندید شخصی بس
 کھولت و شیخوخت مبتلا با این مرض گردد و اگر هم دیده شود
 از نوادر بود ولی بسیار مشاهده شد که در یک خانواده آنچه
 طفل بوده کلاً بواسطه سرایت بیکدیگر هلاک شده اند
 غشا، کاذب که سابقاً مذکور گردید گاهی در تمام اجزاء حلق سقر
 و متشبت و گاهی بیکپا و چه تمام اجزاء حلق را فرا گیرد بطوریکه
 هیچ جزئی از اجزاء حلق و غشا، مخاط آن مرتی نکرده و نسج بعضی
 از مواضع غلیظ و بعضی دیگر آن رقیق و بزودی با طرف محول
 خود تعدد و سرایت نماید و در صورت سرایت بتنگی و خنجره و
 قصبه الریه و شعبان ردانت بمسنا پند هرگاه مرخص طفل
 رضیع و با آنکه خلقاً ضعیف المزاج یا فقیر که اسباب معیشتی
 نداشته باشد نیز صورت ردانت بیشتر و تلفات وسیع تر بود
 اسباب سبب آن چون سایر امراض و بائیه مسریه نامعین
 و از امراض مجهول السبب که بواسطه تغیر نامعین هوا، و خروج
 آن از اعتدال طبیعی حادث گردید و اطباء تا کنون این نوع تغیرات را
 درک ننموده اند ولی هینقدر میگویند که سبب اینگونه امراض
 مهوم حیوانیه یا نباتیه است که در هواء مجاور و محیط بایدان ما

پراکنده و در جسد انسانی با نوع دیگر از حیوان گردد و موجب
اینگونه امراض عمومی و وبائی شوند و فی الحقیقه اسباب
امراض و بابتها مجهول میباشد چون سبب مجهول است معالجه
هم مجهول و نامعین بود و چون سبب معلوم نبود مشکل است
داری رنج و درد و صدحج است و چون بدانتی سبب را
سهل شد و دانش اسباب رفع جهل شد و موجب تجربه معلوم
گردید که این مرض در هوا و فصل بار و رطب و در فصل و
هوا و خار پارس کمتر و دلیل آن این است که ما بین جلد و غشاء
مخاطی یک نوع ارتباطی است که هر وقت ترشحات جلد به
زیاد شوند ترشحات غشاء مخاطی کمتر گردند و هر وقت ترشحات
غشاء مخاطی زیاد شوند ترشحات جلد به رو بنقصان نمایند
و چون در هوا خار پارس ترشحات جلد به بیشتر و در هوا
بار و رطب کمتر است ازین جهت ظهور و بروز این مرض و اشتداد
آن در زمستان بیشتر و در تابستان کمتر باشد
بیماری از تغییرات غیر طبیعی در هوا بمرسد که هر یک
از آنها موجب مرض عمومی خاصی گردند که گاهی غرض انسان
شود و با مزاج او ضدیت بمرساند و گاهی غرض نوع دیگر
از حیوانات چون کوسفند و کاور و طیور و غیره شده مزاج
انها را فاسد و موجب هلاکت آنها گردد این نوع از تغییرات را
غالما علم طبیعی کما هو حقه درک ننماید و بر کیفیت آن کما یفنی
مطلع نگردد و اینکه امراض و بابتها معالجه درستی و منطقی
ندارند چنانچه سابقا اشاره شد بیجهت است که سبب آنها مجهول
و علاج هر مرضی برفع سبب آن ممکن و بیشتر گردد و در اینگونه
رفع و ازاله سببها ممکن نبود و از دست تصرف طبیب
خارج باشد و بهترین معالجات همان معالجه حفظ صحت است
اعراض و علامات بیماری از اوقات این مرض بطور خفاء
ظاهر شود و علامات آن ابتداء چندان ظهور نداشته باشد
یعنی تا مدت سه چهار روز تقریباً جز حرارت جزئی و عشر
بلع چیزی محسوس نگردد و کسی بروز ایند و عرض را دلیل بر
ظهور این مرض مخوف نداند بعد از آنکه سه چهار روز گذشت
احساس بجز در فضای حلق و لوزین و بلع و لهاء و جنج
و منخرین مؤخر شود و مریض از وجع غده کردن شاکمی باشد
و سرش را گاهی مایل بقدام و گاهی مایل بجانین نماید و احساس

بوجع شدید باضعیف در حلقوم کند و غده لیمفا بنک عنق
و تحت فک متورم و محققن و صورت برافروخته و چشمها اشک
الود گردد و در اینصورت هرگاه حلقوم را ملاحظه نمایند حمرت
آن گاهی وردی و گاهی سرخ و روشن و گاهی سرخ تیره بود و
این مرض ممکن است که با سرخچه و فحلك مصاحبت نماید و در صورت
با آنها مصاحبت کند شده اعراض این امراض را بیشتر نماید و
بر خطر آنها بیفزاید
اعراض و علامات شرکبه از قبیل حسی و عطش و قی و تواتر نبض
گاهی با این مرض مصاحبت نماید و گاهی مصاحبت نماید و در صورت
مصاحبت نماید دلالت ببدء و در ائت مرض نماید و موجب هلاکت
مرضی گردد و گاهی غشاء مجرای استاخی که مجرای است از حلق
بکوش متورم شده درد کوش با این مرض همراهی نماید و مریض
احساس بدوی و طنین کند
این اعراض و علامات تا بیکه مرقوم گردید اعراض و علامات اولیه
و بعد از ظهور آنها اعراض و علامات دیگر ظاهر گردند که
علامات ثانویه باشند و بعد از ظهور آنها با فاصله دو سه روز
ظهور نمایند و علامات ثانویه آنست که بر روی لوزین و لهاء
و بلعوم و کام رخو و باد در چینهای آن بگریته یا متد رجاً پرده
سفیدی غیر منظم یا زرد رنگ یا سنجابی لون برود و قوام
آن چون پینه بسته بود که گاهی تمام اجزاء حلق را فرا گیرد و بر
همه آنها برود و گاهی مخصوص بیک یا دو جزء و یا بیشتر از اجزاء
حلق نبود بعضی اوقات بخجیره و قصبه الریه و شعبان سر
نماید و با این سبب استنشاق هوا خیلی صعب گردد و در صورتیکه
سراست بلعوم کند عسر البلع و وجع شده نموده مشروبات از
بپنی خارج گردد و تکلم باغنه و در وقت خوردن غذا با اشامید
آب سرفه ظهور نماید و از بپنی سابی زرد رنگ یا خون آلود
بیرون آید باین ترتیب آنچه که استنشام آن بخصوص در اشخاص بزرگ
موسع بود و بعضی اوقات قطعات اغشیه کاذبه کم یا زیاد از کلود
خجیره بواسطه قی یا سرفه بیرون آید و باز مجدداً بعد از زمان قلیل
باکثر برود و این حالت بیماری از اوقات مکرر گردد که بعد از ذل
مجدداً رسته شود گاهی از اوقات انغشاء کاذب که از خجیره بیرون میآید
استوانه شکل بود و محل حلفات خجیره در او مشاهده گردد و از لثه
بعضی اوقات خون بیرون آید و آنچه که بجهت استنشام گردد
محمد حسن